



The Exclusion and its Components in Al-e Ahmad's "Nefrin-e Zamin" based on Van Leeuwen's Theory

Nahid Ashrafi *

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Ebrahim Ranjbar

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Sayed Ahmad Parsa

Professor, Department of Persian Language and Literature, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Abstract

"Nefrin-e Zamin" (The Cursing of the Land) is one of the important works of the social sciences in the 1960s. The present study examines this book from the perspective of critical discourse analysis (CDA) based on the exclusion components in Van Leeuwen's model. The purpose of this study is to show how social and intellectual views are linked to discourse-based structures in fictional texts in order to highlight the importance of linguistic structures in creating social discourses and their relationship with power and domination. This survey has been studied using a descriptive-analytical method, based on socio-semantic categories in the representation of social actors and how to use different types of exclusion and its reasons in a total of 3600 expressive discourse phrases. The results show that in this story, the author has tried to suppress the role of social actors with the use of special linguistic structures, including short sentences with different types of exclusion, the preferences for passive structures over active structures, and using infinitive structures and the use of adjectives, and this has a direct connection with the social institutions and the author's community especially "institution of power and politics". In the Nefrin-e Zamin, the impact of political issues on the social, economic, and public institutions of that period is obvious and the author with his language choices and his style has explained the manifestations of modernity, social transitions, and the imbalance of power in society.

Keywords: Critical Discourse, Exclusion, Nefrin-e Zamin, Van Leeuwen.

- The present paper is adapted from a Ph. D. thesis on Persian Language and Literature, University of Tabriz.

* Corresponding Author: n.ashrafi@tabrizu.ac.ir

How to Cite: Ashrafi, N., Ranjbar, E., Parsa, S. A. (2023). The Exclusion and its Components in Al-e Ahmad's "Nefrin-e Zamin" based on Van Leeuwen's Theory. *Literary Text Research*, 27(96), 255-280. doi: 10.22054/LTR.2021.45374.2776



حذف و مؤلفه‌های آن در کتاب «نفرین زمین» آل احمد براساس نظریه «ون لیوون»

ناهید اشرفی *  دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

ابراهیم رنجبر  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

سید احمد پارسا  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

رمان نفرین زمین از آثار در خور توجه از لحاظ مطالعات اجتماعی (تحلیل گفتمان) مربوط به دهه ۴۰ است. پژوهش حاضر این رمان را از دیدگاه گفتمان انتقادی براساس مؤلفه حذف در الگوی «ون لیوون» بررسی کرده است. هدف این پژوهش نمایاندن پیوند میان دیدگاه‌های اجتماعی و فکری با ساخت‌های گفتمان‌مدار در متون داستانی است تا اهمیت ساختارهای زبانی در ایجاد گفتمان‌های اجتماعی و رابطه آن با قدرت و سلطه نشان داده شود. در این گفتار با به کارگیری روش توصیف و تحلیل، براساس مؤلفه‌های «جامعه‌شناختی-معنایی» در الگوی بازنمایی کنش‌گران اجتماعی لیوون نحوه استفاده نویسنده از شیوه‌های حذف و دلایل آن را در مجموع ۳۶۰۰ عبارت گفتمان‌مدار نفرین زمین بررسی کرده‌ایم. نتایج پژوهش بیانگر آن است که نویسنده در این داستان با انتخاب ساختارهای خاص زبانی از جمله: جملات کوتاه همراه با انواع حذف، ترجیح ساخت‌های مجهول بر معلوم، استفاده از ساخت‌های مصدری و صفت‌سازی در عبارات گفتمانی سعی در پنهان‌سازی نقش کنشگران اجتماعی داشته و این، مستقیم با نهادهای اجتماعی و جامعه نویسنده علی‌الخصوص «نهاد قدرت و سیاست» مرتبط است. در نفرین زمین تأثیر مسائل سیاسی بر نهادهای اجتماعی، اقتصادی و مردمی آن دوره مشهود است و آل احمد با گزینش‌های زبانی و سبک خاص خود مظاهر تجدد و تحولات اجتماعی و برهم خوردن توازن قدرت را در جامعه تبیین کرده است.

کلیدواژه‌ها: حذف، گفتمان انتقادی، نفرین زمین، ون لیوون.

– مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز است.

* نویسنده مسئول: n.ashrafi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

زبان به عنوان مؤثرترین پدیده اجتماعی، کارکردهای متنوعی دارد؛ از این رو، همواره در تحلیل‌های جامعه‌شناسی، سیاسی و تاریخی مورد توجه بوده است. زبان‌شناسان از جنبه‌های متفاوت زبان را بررسی کرده‌اند. تا قبل از دهه ۷۰ میلادی پژوهش‌های زبان‌شناسی بیشتر مبتنی بر صورت و ساختار زبان بود، اما با مطرح شدن مفاهیمی چون قدرت، سیاست و ایدئولوژی در حوزه گفتمان‌شناسی و نقش زبان در تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعات زبانی از حوزه ساختار فراتر رفت و به ارتباط میان ساختارهای زبانی و اجتماعی با تکیه بر نقش قدرت، سیاست و ایدئولوژی توجه کرد. در گفتمان‌شناسی انتقادی مجبوریم از ویژگی‌های بافت کلام - به ویژه عقیده‌های جا افتاده (ایدئولوژی) و توازن قدرت - بهره‌گیریم و توجهات لازم را از لایه‌های زیرین کلام بیرون بکشیم (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۵۴)؛ بنابراین، زبان با ساختارهای بسیار متنوعی می‌تواند در گزارش پیام و تأثیر بر مخاطب به کار گرفته شود. به همین اعتبار تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا) علاوه بر فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی گستره وسیعی از هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد. ادب روایی یکی از جدی‌ترین انواع ادبی از جهت در آمیختگی زبان با مسائل اجتماعی و فرهنگی است.

غالباً در رویکردهای تگفا سه مفهوم انتقاد، قدرت و جهان‌بینی مورد توجه است که در دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی به آن‌ها نمی‌پردازند. لیوون^۱ معتقد است بنیان تگفا بر این اصل استوار است که نحوه بیان بر تداوم و موجه ساختن عوامل تبعیض، نابرابری و اعمال زور بر جامعه از سوی قدرت حاکم، مؤثر است (Leeuwen, 2009: 370).

هدف مقاله حاضر، تحلیل یکی از عمده‌ترین ساخت‌های گفتمان‌مدار (حذف) در متن «نفرین زمین» است تا نشان دهد که حذف کنشگران چگونه بر رواج محافظه‌کاری و پنهان‌سازی‌های اجتماعی صحنه می‌گذارد و پنهان‌سازی کنشگران چگونه ساختارهای نهفته مناسبات قدرت و ایدئولوژی را در داستان نشان می‌دهد؟ همچنین آل‌احمد با توجه به کارکرد اجتماعی آثار داستانی چگونه با مؤلفه‌های زبانی کنشگران را به تصویر کشیده است؟

این پژوهش از یک سو با بافت تاریخی و اجتماعی دهه ۴۰ ایران و تحولات ادبیات داستانی مرتبط است و از دیگر سو با گفتمان انتقادی و چگونگی روابط قدرت و ایدئولوژی در جامعه و جهان‌بینی نویسنده داستان در نقد ساختارهای موجود ارتباط دارد. در تحلیل

1. Leeuwen, T.

اندیشه‌های اجتماعی آل‌احمد باید دانست که او همیشه نقش یک منتقد را نسبت به حاکمیت سیاسی، آموزش، غربزدگی روشن‌فکران، جایگاه اجتماعی زن، قشری‌گرایی مذهبی و تضادهای میان مدرنیته و سنت داشت و این نگرش در نفرین زمین مشهود است. آل‌احمد در این کتاب به شیوه رئالیسم اجتماعی ورود مدرنیته به ایران را از دید یک منتقد روایت می‌کند. از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی این رمان مقایسه مدام زندگی روستایی و شهری است. نویسنده پیامدهای رفرم ۱۳۴۱ را از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

آثار آل‌احمد با رویکردهای مختلف، مورد توجه پژوهشگران بوده است. هرچند سهم بیشتر این پژوهش‌ها به کتاب «مدیر مدرسه» رسیده، اما پژوهش‌های ارزشمندی نیز درباره «نفرین زمین» نوشته شده است. در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

از نظر یاحقی و عزیزی (۱۳۹۰)، آل‌احمد در خلق آثار ادبی و داستانی خود، بیشتر به واقعیات اطرافش توجه داشته است و زندگی شخصی و تاریخ عصرش در آثار او انعکاس چشمگیری دارد.

صادقی و زارع (۱۳۹۶) ضمن تعریف درون‌مایه، درون‌مایه‌های مشترک: ورود مدرنیته به جامعه سنتی، برخورد جامعه با مدرنیته، بیکاری و استثمار را به عنوان نتایج لاینفک ورود مدرنیته در دو رمان نفرین زمین و خوشه‌های خشم بررسی کرده‌اند.

رنجبر (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲) براساس الگوهای تبیین در علوم اجتماعی «لیتل» نفرین زمین را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که اگرچه آل‌احمد از مسائل مهم عصر خود سخن گفته، نظریات و تئوری‌های اجتماعی او تعمیم‌پذیر نیستند، چون از منظر بیرونی به وقایع می‌نگرد نه از درون.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که «نفرین زمین» به منزله یکی از مهم‌ترین داستان‌های آل‌احمد با زمینه اجتماعی و سیاسی در کانون توجه پژوهشگران بوده، اما تاکنون پژوهشی در زمینه تگفا با الگوی لیوون یا دیگر نظریه‌های گفتمانی درباره این اثر انجام نگرفته است.

در بخش تحلیل گفتمان انتقادی از الگوی چگونگی بازنمایی کارگزاران اجتماعی (Leeuwen, 1996, 2008) و همچنین کتاب‌های «گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی»، «تجزیه

و تحلیل مقابله‌ای گفتمان‌شناختی زبان فارسی و انگلیسی در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی» و «درآمدی به گفتمان‌شناسی» از آثار یارمحمدی بهره گرفته‌ایم.

۲. روش پژوهش

در این گفتار با به‌کارگیری روش توصیفی و تحلیلی، براساس مؤلفه‌های «جامعه‌شناختی-معنایی» و با بهره‌گیری از الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی لیوون، مؤلفه حذف و نمودهای آن را در جملات گفتمان‌مدار نفرین زمین بررسی کرده‌ایم. در این رمان پوشیدگی و پنهان‌سازی در متن به عنوان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مورد توجه نویسنده بوده است. کنشگران اجتماعی در این پژوهش شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان هستند.

۳. مبانی نظری پژوهش

برای تحلیل اثر با توجه به زیربنای جامعه‌شناختی رویکرد لیوون، در بخش مبانی نظری ابتدا افق‌های اجتماعی اثر سپس مبانی نظری تحلیل گفتمان را بررسی کرده‌ایم، پس از آن بر مبنای نمودار لیوون کاربرد معنادار مؤلفه حذف و زیر مؤلفه‌های پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی را با نمونه‌هایی از کتاب تبیین کرده‌ایم.

۳-۱. افق‌های اجتماعی نفرین زمین

افق اجتماعی، اشاره به مؤلفه‌ها و مشخصات زمینه اجتماعی عینی و ملموسی دارد که گفتمان در آن، تولید، انتخاب و نهادینه می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۴). دهه ۴۰ نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران است؛ جامعه ایران که در سال‌های بعد از کودتای ۱۳۳۲ دچار نوعی یأس شده بود با زمزمه اصلاحات قانون در سال‌های پایانی دهه ۳۰، جان تازه‌ای گرفت و متفکران و نویسندگان در این دوره به فراخور زمینه‌های اجتماعی به نقد و تحلیل این اصلاحات پرداختند. یکی از حوادث دهه ۴۰ مطرح شدن مسأله انجمن‌های ایالتی و ولایتی^۱ بود که در همان بادی امر متوقف شد و بعضی از مفاد آن در قالب انقلاب سفید

۱. برنامه این لایحه آن بود که کشور به صورت فدرال اداره شود و شورا و انجمن شهر تقریباً مستقل از مرکز با دولتی که تشکیل می‌دهند، استان خود را اداره کنند و از هر ایالت نمایندگان برای هماهنگی با قوانین و سیاست‌های کلی کشور به مجلس ملی و دولت مرکزی فرستاده شوند؛ در این طرح نیز موادی گنجانده شده بود، مانند دادن حق رأی به زنان و...

به تصویب رسید؛ افق اجتماعی دهه ۴۰، حاکی از حرکت به سمت دروازه‌های تمدن بود و قلمرو گفتمانی، شامل تمکین به قانون و قانون‌شکنی می‌شد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۴). نویسنده در این رمان حرکت به سوی تمدن را موجب غرب‌زدگی و از بین رفتن سنت دانسته و برهم‌خوردن توازن قدرت را عامل قانون‌شکنی‌ها معرفی کرده است.

انقلاب سفید عنوان سلسله اصلاحاتی بود که در ۶ بهمن ۱۳۴۱ در یک همه‌پرسی به تصویب رسید. شش محور انقلاب سفید که زندگی تمام مردم را تحت تأثیر قرار داد، عبارتند از: اصلاحات ارضی و الغای نظام ارباب-رعیتی، ملی کردن جنگل‌ها و مراتع، فروش سهام کارخانه‌های دولتی، سهم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی، دادن حق رأی به زنان، ایجاد سپاه دانش و سپاه ترویج و آبادانی. مهم‌ترین اصل، همان اصلاحات ارضی و الغای نظام ارباب-رعیتی بود که موجب جابه‌جایی طبقات اجتماعی، رشد طبقه متوسط و تغییر بنیان‌های اقتصادی شد. مخاطب عمده این تحولات روستا و روستاییان بودند که در آن دوره حدود ۶۵ درصد جمعیت ۲۲ میلیون نفری ایران را تشکیل می‌دادند.

مجموع این تحولات اجتماعی-فرهنگی نویسندگان را برانگیخت تا با دیدی تازه به زندگی روستایی بنگرند و موجد گرایش ادبی تازه‌ای تحت عنوان «ادبیات روستایی و اقلیمی» باشند و شروع جدی ادبیات روستایی با تک‌نگاری‌های اجتماعی آل‌احمد و ساعدی بود (میرعابدینی، ۱۳۹۶: ۵۰۸). آل‌احمد در «نفرین زمین» بیشتر از هر اثر دیگری در ادبیات فارسی به نقد این تحولات پرداخته است. افق‌های اجتماعی این رمان مبتنی بر محورهای انقلاب سفید است و محتوای گفتمانی اثر در قالب گفت‌وگو با نهاد قدرت شکل گرفته و بیشتر به شکل سلبی است. یکی از دلایل کاربرد حذف و مؤلفه‌های آن همین ساختار گفتمانی اثر است.

۲-۳. تحلیل گفتمان انتقادی^۱

اصطلاح «تحلیل گفتمان» را نخستین بار «زلیگ هریس»^۲ زبان‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۵۲ میلادی مطرح کرد. هریس صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن داشت. دیری نگذشت که زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را در معانی متفاوت به کار بردند و از نظر آنان تحلیل گفتمان عبارت است از شناخت رابطه جملات با یکدیگر و نگرستن به

1. Critical Discourse Analysis

2. Hariss, Z.

کل آن چیزی که نتیجه این روابط است (قجری، ۱۳۸۹: ۳۸). تحلیل گفتمان انتقادی رویکرد جدیدی در مطالعات زبانی است که ریشه در آرای «میشل فوکو»^۱ فیلسوف فرانسوی دارد. در این روش بخش سنتی زبان‌شناسی با عناصر نحوی و لغوی یعنی زمینه متن سروکار ندارد، بلکه با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی فرهنگی و اجتماعی سروکار دارد (فرکلاف^۲، ۱۳۷۹: ۸).

تحلیلگران حوزه تگفا همگی اتفاق نظر دارند که برای کشف رابطه زبان با جامعه باید از توصیف زبانی فراتر رفت و به تبیین دست زد تا مشخص شود که نابرابری‌های اجتماعی در زبان خلق و منعکس می‌شوند. پژوهشگرانی چون ون دایک^۳، فرکلاف^۴، هاج^۵، کرس^۶ و لیوون به منظور تعیین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و تحلیل متن‌الگوهای پیشنهاد کرده‌اند. تنوون لیوون یکی از پژوهشگران حوزه تگفا است که در آثارش گستره وسیعی از رسانه‌های تصویری و متنی و نشانه‌شناسی را مورد تحلیل قرار داده است. وی از نظریه پردازان حلقه موسوم به آمستردام است که فعالیت‌های تحلیل گفتمان را از حوزه سینما و تصویر آغاز کرد. سپس توجهش به کنشگران اجتماعی و چگونگی بازنمایی آن‌ها در رسانه‌ها معطوف شد.

کرس و لیوون تحت تأثیر مکتب نشانه‌شناسی اجتماعی هالیدی^۷ از پیشگامان بررسی معنا و تصویر و تعامل میان نشانه‌های دیداری و کلامی در متون و گفتمان هستند. لیوون به جای استفاده از اصطلاح نشانه^۸ در دیدگاه سوسور^۹ اصطلاح «منابع نشانه‌شناختی»^{۱۰} را به کار می‌برد و این منابع را دارای شکل‌های مختلفی از جمله زبان، حرکات، تصویر، موسیقی، غذا و لباس می‌داند که ارزش فرهنگی دارند (غیاثیان، ۱۳۸۶: ۶۵). از دیگر پژوهش‌های او می‌توان به تحلیل کردارها و کنش‌های اجتماعی (۱۹۹۵) و الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی براساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی (۱۹۹۶) اشاره کرد. یارمحمدی در کتاب «تجزیه و تحلیل

-
1. Foucault, M.
 2. Fairclough, N.
 3. Van Dijk, T.
 4. Hodge, R.
 5. Kress, G.
 6. Halliday, M. A. K.
 7. Sign
 8. Saussure, F.
 9. Semiotic resources

مقابله‌ای گفتمان‌شناختی» بر مبنای نظریه لیوون الگوی تحلیل گفتمان‌شناختی را در زبان فارسی ارائه کرده است.

چون در الگوی ون لیوون تحلیل متون از سطح توصیفی به سطح تبیینی و توجیهی ارتقا می‌یابد و رابطه میان زبان، جامعه وایدئولوژی نشان داده می‌شود، می‌توان آن را یکی از برجسته‌ترین الگوها در زمینه تکفا به حساب آورد. در چهارچوب الگوی لیوون ساخت‌های گفتمان‌مدار اساسی‌ترین نقش را در بیان و بازشناخت منظور نهفته در پس متن دارند، پس وی به شیوه‌ای نظام‌مند، چگونگی بازتاب عوامل اجتماعی را در متن بررسی و تأثیر زبان را در بازنمایی کنشگران در اثر ارزیابی می‌کند. در این نظریه منظور از کنشگران، افرادی است که در یک کنش اجتماعی یا یک گفتمان حضور و مشارکت دارند، دو مؤلفه اصلی این الگو: حذف^۱ و اظهار^۲ است (Leeuween, 2008: 52).

۳-۳. حذف

«حذف» نیاوردن واژه، جمله یا بخشی از جمله و یا قسمتی از کلام در متن است؛ به گونه‌ای که مخاطب با قرائن لفظی و معنوی عنصر یا عناصر محذوف را دریابد. البته تشخیص عناصر محذوف بستگی به تجارب مشترک نویسنده و مخاطب دارد. اهمیت حذف در کلام کمتر از ذکر نیست؛ زیرا «تشکیل جملات ناقص از ضروریات کلام سلیس است. وقتی که ذکر عضو و اجزایی از جمله به دلیل وجود قرینه لزومی نداشته باشد، مسلم است که کاربرد آن عضو به سلاست و روانی کلام خدشه وارد می‌سازد» (شفائی، ۱۳۶۳: ۱۸۹). در زبان فارسی «حذف» در دو حوزه «دستور زبان» و «بلاغت» اهمیت ویژه‌ای دارد. برای کاربرد حذف در دستور زبان دلایل متعدد بیان شده است؛ از جمله پیروی از سنت‌های پایدار زبان، تضمین سلامت ساختار زبان، نزدیکی به فصاحت و

خانلری نقش متن و بافت زبانی را در تحقق حذف مؤثر دانسته است. او از اولین کسانی است که به نقش گفتمانی حذف در زبان فارسی توجه داشته است (میرعمادی، ۱۳۷۷: ۴۸). در حوزه بلاغت حذف و ذکر مسندئالیه بر حذفیات احتمالی دیگر اجزای جمله برتری دارد؛

-
1. Exclusion
 2. Inclusion

هرچند حذف دیگر اجزای جمله نیز مورد توجه بوده، این مبحث مربوط به علم معانی در حوزه بلاغت است و به دلایل متعددی صورت می‌گیرد از جمله پرهیز از ذکر زاید، برانگیختن تخیل خواننده، تنبیه مستمع، ایقاع در وهم مخاطب یا صیانت زبان از ذکر نام مسندالیه برای تفخیم، تحقیر و امثالهم که این موارد بیشتر به رابطه متکلم و مستمع مربوط است، اما پژوهشگران حوزه نگفا حذف را از بابت تأثیر پایگاه اجتماعی کنشگر یا کنش‌پذیر بر ذهن و زبان نویسنده بررسی می‌کنند.

حذف در الگوی لیوون یکی از مؤلفه‌های اصلی است که نقش مهمی در تحلیل گفتمانی دارد. گاهی همه کنشگران اجتماعی در متن بازنمایی نمی‌شوند و به دلایل مختلف تنها برخی از آن‌ها در متن بازنماینده می‌شوند (Leeuween, 2008: 28). حذف یا اظهار کنشگران اجتماعی بستگی به اهداف و منافع تولیدکنندگان متن و گفتمان دارد؛ البته در مواردی حذف بدون نیت و غرض انجام می‌شود، از این رو، مخاطب از هویت کنشگر حذف شده آگاه است. در نمودار لیوون حذف به دو شکل پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی صورت می‌گیرد.

۳-۳-۱. پنهان‌سازی^۱

در پنهان‌سازی حذف به گونه‌ای صورت می‌گیرد که بازشناسی کنشگر به هیچ عنوان ممکن نیست. مصداق‌های پنهان‌سازی عبارتند از:

۳-۳-۱-۱. مجهول‌سازی

جملات مجهول بدون ذکر عامل، انتخاب ساخت معلوم یا مجهول در جمله هر کدام متضمن کارکردی است. در ساخت‌های مجهول برجسته‌سازی پذیرنده گُش و مکتوم ماندن کنشگر دو عامل مهم پنهان‌سازی است. تحلیل‌های ساختاری الگوی لیوون بر مبنای دستور نقش‌گرای مایکل هالیدی است. در این شیوه تعامل بین نحو زبان، معناشناسی و کاربردشناسی بررسی می‌شود. به همین دلیل ما علاوه بر ساخت صوری مجهول هر ساختاری که نقش معنایی مجهول را بیان می‌کند، بررسی کرده‌ایم.

مجهول‌سازی به روش‌های مختلف انجام می‌گیرد. «علاوه بر مجهول صوری که با فعل کمکی «شدن» ساخته می‌شود، زبان فارسی از سه وسیله دیگر برای بیان مفهوم مجهول

1. Suppression

استفاده می‌کند. این سه شیوه از نظر صوری مجهول نیستند، اما از نظر معنایی مجهول‌اند» (باطنی، ۱۳۴۸: ۱۳۶).

الف- وجه غیرشخصی: گروه‌های فعلی این طبقه، شخص و شمار ندارند و کنشگر در این نوع جملات پنهان است؛ مثال: «آخر باید بشود یک جور جوری یک چیزی را گرفت» (آل‌احمد، ۱۳۸۳: ۱۸۸)؛ معادل: باید جلوی یک چیزی گرفته شود.

ب- استفاده از فعل سوم شخص جمع بدون ذکر فاعل؛ مثال: «آن روزها بهش می‌گفته‌اند قلی‌خان» (آل‌احمد، ۱۳۸۳: ۱۰۹)؛ معادل: گفته می‌شده.

ج- تغییر فعل واژگانی به‌طوری که ساختمان جمله معمولاً ثابت می‌ماند و فقط فعل واژگانی عوض می‌شود؛ مثلاً «کردن» به «شدن» و «زدن» به «خوردن» تبدیل می‌شود (باطنی، ۱۳۴۸: ۱۳۶). مثال: «اگر از پس نماز دیگر بیابندش سیلی خورد از هر کسی» (آل‌احمد، ۱۳۸۳: ۲۲۸)؛ معادل: به او سیلی زده می‌شود.

اکثر زبان‌شناسان درباره تغییر تعدی در زبان و نقش معنایی مجهول سخن گفته‌اند؛ از جمله دبیرمقدم (۱۳۶۴)، طیب‌زاده (۱۳۸۵) و... «باید توجه داشت ساخت مجهول یک فرآیند نحوی است، اما تغییر تعدی می‌تواند نقش معنایی مجهول را بیان نماید» (رضایی، ۱۳۸۹: ۳۱). هرگاه کنشگر حذف شود، چنان‌که بازشناسی آن ممکن نباشد و کنش‌پذیر (مفعول) در جایگاه کنشگر خود را نشان دهد، ساخت مجهول با کارکرد پنهان‌سازی است. در مجموع ۳۶۰۰ عبارت گفتمان‌مدار در کتاب نفرین زمین ۷۳۰ نمونه ساخت مجهول با کارکرد پنهان‌سازی دیده می‌شود:

نمونه‌های ساخت مجهول صوری (صفت مفعولی + شدن)

* گفتم: درویش! ... خرمن که برداشته شده (آل‌احمد، ۱۳۸۲: ۱۹).

کنشگران (کشاورزان، خوشه‌چینان و...) با حذف، پنهان‌سازی شده‌اند؛ بدین معنا که کنشگر اهمیتی ندارد بلکه منفعت درویش، هدف پنهان راوی است. در این نمونه وابستگی درویش به خرمن اهمیت گفتمانی دارد؛ یعنی راوی می‌پرسد وقتی عامل وابستگی از بین رفته دلیل ماندن درویش در روستا چیست؟

* هرچه بود ارباب کشته شده بود. آن هم چه اربابی! (همان: ۱۱۶).

کنشگر (کشنده) ممکن است هر کسی باشد که با حذف، پنهان‌سازی شده است. نقش کنش‌پذیر در این جمله و در گفتمان اثر هم مهم‌تر از کنشگر است. کشته شدن ارباب نمودی از برهم خوردن توازن قدرت به نفع شهر در تقابل با ده است.

* باباهای ما می‌گفتند آب که از روی زمین بریده‌شد، رفتنی هستی (همان: ۱۶۹).
کنشگر پنهان‌سازی شده تا تقدس کنش‌پذیر (آب) و وابستگی به آن را در جوامع روستایی بیان کند.
البته گاهی بخشی از ساخت مجهول حذف شده و این یکی از ویژگی‌های پرتکرار این متن است.

* خانه‌های ده از دور کندوهای را می‌ماند گلی و بر سینه تپه چیده (شده است) (همان: ۱۲۲).

با تشبیه کنش‌پذیر (خانه‌های ده) در روساخت، تشبیه کنشگران به زنبور را پنهان‌سازی کرده و این حذف بیانگر جامعه کارگری است؛ بدین معنا که اشخاص چون زنبور کار می‌کنند و به چیز دیگری توجه ندارند؛ صفت «گلی» نیز این عدم توجه به کیفیت زندگی را تأیید می‌کند.

نمونه‌های وجه غیرشخصی (افعال ناقص «بایستن / توانستن / شدن» + مصدر کوتاه شده)

* این را به دیگران باید گفت من که به پای خودم آمده‌ام (همان: ۱۴).
معادل «باید گفته شود». فعل از لحاظ معنایی مجهول و کنشگر پنهان است.

* آخر وقتی مرگ را در گرد نرم درون یک کپسول نیم‌سانتیمتری از دواخانه بتوان خرید دیگر چه احتیاجی هست به آن عزرائیل عهد بوق که عین یک مأمور شکنجه هنوز هم می‌خواهد جان آدم را از سر ناخن‌ها بکشد بیرون (همان: ۱۵۹).

فعل معادل «خریده شود» مجهول معنایی است. در این عبارت نویسنده به تحول باورهای مردم بر اثر تسلط صنعت اعتراض دارد و به اعتقاد او صنعت باعث شده، مردم باورهای ماورایی خود را از دست بدهند و زندگی و مرگ را در واقعیات پست صنعتی بجویند.

* خوب چرا این گوشه و کنایه‌ها را باید زد (همان: ۵۶).

معادل «چرا این گوشه و کنایه‌ها باید زده شوند» فعل مجهول معنایی است. در اینجا شاهد گفت‌وگوی معلم و درویش هستیم معلم صریح سخن نمی‌گوید و با شیوه نقل در نقل سعی در پنهان کردن نظر واقعیش دارد چنان‌که بعد از نقلش پشیمان می‌شود و با خودش می‌گوید: «نکنه خودش مأمور باشه» (همان: ۵۶) این عدم اطمینان و ترس از نهاد قدرت پنهان (مأمور) معلم را محافظه کار کرده است و درویش این را دریافته که با پنهان‌سازی کنشگر چنین جوابش را می‌دهد.

نمونه‌های استفاده از فعل سوم شخص جمع بدون ذکر فاعل

هرگاه کنشگر در متن قابل بازشناسی نباشد، پنهان‌سازی است، اما اگر بتوانیم کنشگر را به واسطه زمینه متن بازشناسی کنیم، کم‌رنگ‌سازی است.

* من به مدیر گفته‌ام که توی شهرها هم درشکه‌ها را ورچیده‌اند (همان: ۸۶).

فعل مجهول معنایی و معادل «ورچیده‌شده‌اند». متن در مورد اینکه چه کسانی آن‌ها را ورچیده‌اند، آگاهی نمی‌دهد و مخاطب حدس می‌زند شاید عوامل دولتی، شهرداری یا خود مردم کنشگر باشند، پس پنهان‌سازی است.

* می‌گویند کولی بوده (همان: ۱۰۸).

معادل «گفته می‌شود». در این جمله حذف و پنهان‌سازی مطلق منبع خبری و عامل خبرگزار مشهود است تا کسی نتواند گوینده خبر را برای گفته‌اش بازخواست کند.

* این جور جوان‌ها را تو آبادی نگه نمی‌دارند (همان: ۱۰۹).

معادل «نگه‌داشته نمی‌شوند». متن و بافت به کنشگر اشاره‌ای نکرده؛ یعنی عمل اشخاص تعیین‌کننده رفتار کنشگران در آن جامعه است (خود قضاوت می‌کنند و بر مبنای قضاوتشان عمل می‌کنند).

تغییر فعل واژگانی

* آخر همه زندگیم نجس شد (همان: ۱۸۰).

تغییر فعل (نجس کرد). گوینده جمله ماه‌جان و کشگر جسد مادرشوهرش است که به دو دلیل پنهان‌سازی شده؛ یکی اشاره به مشاجره همیشگی بین ماه‌جان و مادرشوهرش است که حتی با مرگش خواسته عروسیش را آزار دهد و دیگر اینکه نویسنده خواسته باور دینی نجس بودن جسد را قبل از غسل، مورد انتقاد قرار دهد و با جمله «تو نجس پاکی چه می‌فهمی چیست؟» این گفتمان را تقویت می‌کند.

* از آن به بعد خود قهوه‌چی شده بود موتوربان (همان: ۱۸۴).

معادل (قهوه‌چی را موتوربان کرده بودند). در این جمله قهوه‌چی کنش‌پذیر است و مباشر (کشگر) به عنوان نماینده قدرت پنهان‌سازی شده است.

* چوب تو گرده‌اش خورده و زمین‌گیرش کرده (همان: ۲۹).

در این نمونه کشگر پنهان‌سازی شده تا کسی نتواند آن‌ها را برای زخمی کردن راننده تراکتور بازخواست کند.

۳-۱-۲. اسمی شدگی

اسمی‌شدگی استفاده از مصدر یا حاصل مصدر به جای جمله است. فرآیند اسم‌سازی از ساخت‌های گفتمان‌مدار پیام‌گزار است که پیام اصلی متن را در خود دارد. «با اسم‌سازی گویندگان می‌توانند زمان و شیوه انجام عمل را که از لوازم جمله یا فعل است مکتوم دارند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۵)؛ مثال: «آنچه او می‌آموزد احتیاجی به این کتاب‌ها و دفترها و از برکردن‌ها و شب امتحان بی‌خوابی کشیدن‌ها ندارد؟» (آل‌احمد، ۱۳۸۳: ۵۳). در این جمله با به‌کارگیری مصدرها، توجه از عامل به عمل معطوف شده و نویسنده در این جملات با بافت‌زدایی زمانی، مکانی، تاریخی و پوشیده کردن کشگران و کنش‌پذیران پیام خود را از زبان آنان برجسته کرده و از نظام آموزشی انتقاد می‌کند. نویسنده با استفاده از مصدرهای (از بر کردن و بی‌خوابی کشیدن) و نشان جمع دادن به آن‌ها، تداوم بیهوده عملی را که منجر به فرسایش کشگران (دانش‌آموزان) می‌شود به مخاطب القا می‌کند.

مصدرها و اسم مصدرها از نظر مشخصه‌های سرنمونی رده‌شناسی کنش-ارجاع هستند؛ یعنی «مصدر از نظر طبقه معنایی همانند فعل کنش محسوب می‌شود، اما از نظر کنش گزاره‌ای مانند اسم معرف ارجاع است» (رضایی، ۱۳۹۵: ۹). اسم‌سازی در بررسی گفتمانی اثر بیانگر کتمان کنشگر و پنهان‌سازی اوست؛ چون کنش موجود در مصدر یا اسم مصدر و پیامدهای آن برجسته‌تر از کنشگر یا کنشگران در متن است. همچنین مصدر نوعی اسم است و گسترده‌گی نقش و معانی اسم در زبان، مخاطب را به‌سوی شناخت بافت کلام سوق می‌دهد. «مصدر در فارسی در مرز گروه اسمی و گروه فعلی قرار می‌گیرد، زیرا هم می‌تواند به عنوان گروه فعلی ناخودایستا به کار رود و هم به عنوان گروه اسمی» (باطنی، ۱۳۴۸: ۱۳۰). البته فرآیند اسم‌سازی در امر کم‌رنگ‌سازی نیز کاربرد دارد. ۴۶۰ مورد کاربرد مصدرها و اسم مصدرها در جملات گفتمان‌مدار این متن با هدف پنهان‌سازی ذکر شده است و یکی از کارکردهای فرآیند اسم‌سازی در این رمان، این است که نویسنده برخی از عناصر را نسبت به دیگر عناصر موجود در متن برجسته‌سازی کرده، با این کار معنای متفاوتی به مخاطب القا می‌کند.

نمونه‌هایی از کاربرد مصدرها و اسم مصدرها

* به اسم بده بستان مزد آسیابانی و راه انداختن کار مشتری‌ها طرز هندل زدن موتور را یاد گرفته بود (آل‌احمد، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

در این نمونه هم ساختار و هم معنا در صدد پنهان‌سازی کنشگر است، کنشگر (قهوه‌چی) به دستور نماینده قدرت (مباشر) نیت خود (یادگیری) را پنهان‌سازی می‌کند.

* اما دهاتی جماعت دستش از عمل کوتاه که هست هیچ، معنی معجزه را هم فراموش کرده و مدام به انتظار تغییر فصل‌ها نشسته... از زمستان به بهار و از قوس به حمل، و این دیگر انتظار نیست. دست به دهان ماندن است. کوچک شدن معنی انتظار است (همان: ۱۹۴).

در این جملات کنشگران پنهان «دهاتی جماعت» نماینده بخش اعظم کنشگران اجتماعی هستند که با تقدس بخشیدن به مفهوم «انتظار» زندگی وابسته‌ای برای خود ساخته‌اند که عملاً حق کنشگری را از آنان گرفته است. تکرار انتظار و مفهوم آن در ترکیب «دست به دهان

ماندن» تشریح فضای حاکم بر جامعه است تا مخاطب را به بافت فکری کنشگران اجتماعی ارجاع دهد.

* وقتی صنعت محلی گیوه‌بافی است، تراکتور و موتور آوردن یعنی پول را دور ریختن (همان: ۷۷).

در این نمونه برجسته‌سازی تقابل کنش‌ها، پنهان‌سازی کنشگران را توجیه می‌کند. حذف باعث تغییر تمرکز خواننده به سوی عمل شده تا یکی دیگر از تقابلهای گفتمانی متن (تولید سنتی - تولید مکانیزه) در ذهن مخاطب رقم بخورد.

۳-۱-۳-۳. کاربرد صفت‌ها به جای موصوف‌ها یا کنش‌گران معلوم

صفت یا رفتاری به نمایندگی جمله ذکر می‌شود. صفت، حالتی یا خصوصیتی از اسم یا موصوف است که می‌تواند ویژگی‌های متفاوتی از اسم را نشان دهد، انتخاب یکی از این ویژگی‌ها همواره با پس‌زمینه ذهنی صورت می‌گیرد؛ یعنی نویسنده با ذکر یک صفت اشاره‌ای پنهان به مسائل اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی دارد. در عبارت‌های گفتمان‌مدار نفرین زمین ۵۰۰ نمونه کاربرد صفت با هدف پنهان‌سازی یافتیم که صفتی به نمایندگی از یک نگرش و جمله بیان شده است. مثلاً نگرش منفی و پنهان‌گوینده این جمله را می‌توان از واژه «عصازنان» استنباط کرد: «پیرمردها که عصازنان راه آخرت را می‌جستند» (همان: ۱۲). سالمندی را با ناتوانی همراه کرده است و این دیدگاه اجتماعی مردم آن جامعه را نسبت به پیری بازگو می‌کند.

یکی از مهم‌ترین ساخت‌های گفتمان‌مدار متن استفاده از تقابل دو صفت برای دو گروه «دهاتی» و «شهری» است که در مقام کنشگر (صفت جانشین موصوف) برجسته‌سازی شده و می‌توان گفت شکل تقابلی به گفتمان تحقیر تبدیل شده است. در حقیقت نویسنده می‌خواسته از این تقابل انتقاد کند، اما گفتمان اثر و ساخت‌های معنایی نشان می‌دهد؛ گفتمان تحقیر و خصومت بازتولید شده است. نویسنده در کتاب غرب‌زدگی نیز یکی از عوامل عقب‌ماندگی جامعه را در این می‌داند که در طول تاریخ کمتر شهرنشینی داشته‌ایم و به معنای دقیق کلمه به شهرنشینی و تمدن شهری نرسیدیم و رشد شهرنشینی را به شکلی که در دهه ۴۰ اتفاق افتاده، غده‌سرطانی می‌نامد (همان: ۳۱).

۳-۳-۱-۴. کم‌رنگ‌سازی^۱

در کم‌رنگ‌سازی کنشگر اجتماعی حذف می‌شود، اما ردپای خود را در نقطه‌ای دیگر از متن بر جای می‌گذارد تا بتوان آن را بازیابی کرد. روش‌های کم‌رنگ‌سازی عبارتند از: الف- حذف به قرینه لفظی که در ساختار زبان فارسی و در این متن بسامد بالایی دارد، حدود ۲۶ درصد (۹۵۸) جملات حذف به قرینه لفظی دارند.

ب- جملات مجهول با ذکر عامل؛ این شیوه با ساختار زبان فارسی مطابق نیست، اما گاهی به کار می‌رود؛ یعنی گروه اسمی کنش‌پذیر (مفعول) در جایگاه نهاد ظاهر می‌شود و در یک نمونه کنشگر حذف شده به صورت یک گروه متممی درآمده است. مثال: «چای آمد به دست همان که می‌لنگید» (همان: ۸۲)؛ «آمد» در معنای «آورده‌شد» به کار رفته است.

پ- استفاده از فعل سوم شخص جمع بدون ذکر فاعل قبلاً در پنهان‌سازی اشاره کردیم که اگر بتوانیم کنشگر را به واسطه زمینه متن بازشناسی کنیم، کم‌رنگ‌سازی است.^۲

* تا وقتی توی ده می‌کارند که توی شهر بخورند (همان: ۸۸).

در این نمونه کنشگرانی که کم‌رنگ شده‌اند، اهالی ده و شهر هستند که به واسطه متمم‌های «ده» و «شهر» بازیابی می‌شوند.

ت- آوردن حاصل مصدر به جای جمله و انواع اسمی‌شدگی‌ها، این شیوه در ۲۷۹ عبارت گفتمان‌مدار به کار رفته است. چون اسم مصدرها و حاصل مصدرها از نظر معنایی دلالت بر کنش دارند و در گفتمان اثر نقش مهمی ایفا می‌کنند.

* عصا قورت دادگی شهری را کنار می‌گذاشتم (همان: ۴۲).

در اینجا نویسنده با استفاده از حاصل مصدر، کنش کنشگران را نقد کرده است.

۳-۳-۱-۵. نمونه‌های کم‌رنگ‌سازی

* باید معلم کلاس پنجم باشم که امسال باز شده و راه بردنش دیگر کار محلی‌ها نیست (همان: ۹).

1. Backgrounding

۲. در آمارهای کم‌رنگ‌سازی این مورد جزء زیرمجموعه حذف به قرینه لفظی حساب شده است.

کاربرد قید «باید» در کنار فعل «باشم» اجبار بر کنشگر را کم‌رنگ‌سازی کرده است؛ یعنی قدرتی پنهان اختیار را از معلم سلب نموده و معلم هم به قصد جبران این منفعل‌سازی برای خود نوعی توانمندی قائل شده تا عدم توانایی «محلّی‌ها» را با بیانی حقارت‌آمیز بازگو کند. کنشگرانی که کم‌رنگ‌سازی شده‌اند؛ مدیر، میرزا عمو و هر شخص باسواد اهل روستا را شامل می‌شود. محلّی‌ها از دید راوی قشر پایین محسوب می‌شوند پس در برابر او که نماینده شهر است ناتوانند به همین دلیل بازنمایی آنان از نوع کم‌رنگ‌سازی است.

* بیشترشان پابره‌نه بودند و چند تایی گیوه داشتند... گیوه‌ها عین یک کشتی و میچ پاهای لاغر بچه‌ها درست مثل دکل وسطشان فرورفته حتما تا دو سال دیگر اندازه پاشان می‌شد (همان: ۱۱).

در این نمونه حذف نهاد و فعل به قرینه لفظی است. صفت پابره‌نه، توصیف گیوه‌ها اهمیت ندادن به بچه‌ها در جامعه را نقد می‌کند و نویسنده با ساختار انتخابی‌اش به پس‌زمینه رانده‌شدن بچه‌ها را نشان داده است.

* و زن‌ها چمباتمه زده لب نهر ظرف می‌شستند (همان: ۱۲).
کم‌رنگ‌سازی با صفت «چمباتمه‌زده» که نوعی خستگی و رنج پنهان را برای زنان روایت می‌کند.

* این پتیاره رفته‌بوده واری و هفت تیر را دیده (همان: ۲۰۳).
کم‌رنگ‌سازی کنشگر با صفت «پتیاره»؛ نگاه جنسیت‌گرا و بدکار دانستن زن.

* و این کارها کار آدم‌های پدر و مادر دار نیست و کار یتیم‌خانه‌ای‌هاست و کار آدم‌های بی‌کله است (همان: ۲۱۴).

نویسنده با نسبت صفت‌های «پدر و مادر دار، یتیم‌خانه‌ای، بی‌کله» به نظامیان، کم‌رنگ‌سازی کنشگران را در جهت تحقیر به کار برده چون باور دارد که آنان در خدمت قدرت و مأمور سلب آسایش مردم‌اند.

۴. یافته‌ها

تحلیل سازه‌های داستان جز با کمک شناخت گفتمان اثر ممکن نیست، «گفتمان روایت در اثر تعامل سه عامل پدیدمی‌آید قراردادهای فرهنگی، استفاده نویسنده از صورت زبانی این قراردادها برای بیان محتوای مورد نظرش و فعالیت خواننده در آزادسازی معنا از متن» (فاولر^۱، ۱۳۹۶: ۱۳۳). در نفرین زمین این تعامل به خوبی دیده می‌شود. با دقت در سبک نوشتاری آل‌احمد اولین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند، جملات کوتاه و مقطع با حذف اجزای جمله است، همچنین کاربرد افعال وصفی، ساختارهای اسمی شده و ساخت‌های مجهول چشمگیر است. در این متن انگار شتاب داستان‌پردازی بیش از شتاب داستان است، چون رویدادها بدون هیچ شرح و تفصیلی به روایت درمی‌آیند و نویسنده پس از ارائه گزارش شروع به حذف رویدادها می‌کند و هر جا سرعت این داستان‌پردازی بالا می‌رود، چند نقطه می‌گذارد (...). و گاه می‌گوید «از این خزعبلات». این شیوه بیان نوعی حذف است که در تحلیل گفتمان اهمیت خاصی دارد. در این متن راوی به شیوه‌های مختلف حذف را به کار می‌گیرد و از این راه، نقش ناپیدای کنشگران را با اشارات تلویحی در پی‌رنگ به مخاطب می‌شناساند. در این متن حذف اجزای جمله و کاربرد افعال وصفی بسیار پرکاربرد است. در تک‌گفا علاوه بر توصیف، چگونگی آزادسازی معنا از متن یکی از مقاصد مهم است و برای این کار لازم است که از دو مفهوم مهم در بافت کلام بهره بگیریم؛ یکی توازن قدرت و دیگری ایدئولوژی. «قدرت در تحلیل انتقادی عموماً به منزله چیزی است که در دست بعضی‌ها هست و در دست بعضی‌ها نیست، ولی در جنبه عمومی، آن که به اطلاعات بیشتری دسترسی دارد و از معلومات لازم برخوردار است، نسبت به دیگران قدرت بیشتری دارد» (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۲۰ و ۲۱). در نفرین زمین، معلم، درویش، بی‌بی، مدیر و مباشر نمایندگان قدرت‌اند. هر چند معلم و درویش تمام تلاششان این است که خود را منتقد عوامل قدرت و ایدئولوژی نشان دهند، گفتمان اثر، آن‌ها را به عنوان نمایندگان محافظه کار قدرت معرفی می‌کند که با پنهان‌سازی سعی دارند نقش خود را برابر پذیرش ایدئولوژی و سلطه کم‌رنگ جلوه دهند. در متن قسمت‌های اساسی از هر جمله با گشتارهایی از روستاها حذف شده و این موجب می‌شود هر جمله به جمله قبلی وابسته بماند. انگار راوی می‌خواهد قیاس و تقابل حاکم بر گفتمان اثر را با حذف و وابستگی جملات نشان دهد تا مخاطب تردید معلم بین

1. Fowler, R.

مباشر و مدیر و بر سر دوراهی ماندنش را بهتر درک کند؛ مثلاً در نمونه زیر جمله‌ها با این که ساده‌اند، در متن کاملاً به هم وابسته‌اند. گویی سرعت متن ناشی از کوتاهی جملات و حذف‌ها است:

«راه افتادیم. مباشر این طرف و مدیر آن طرف و بچه‌ها در دنبال. یک دسته حسابی و علم و کتل دسته: بساط زندگی معلم ده به دوش دو نفری که از جلو می‌رفتند. آنکه می‌شلید چمدانم را برداشته بود و هردفعه که کج و راست می‌شد، دل من هوری می‌ریخت تو. دلم برای رادیوم شور می‌زد...» (آل‌احمد، ۱۳۸۳: ۱۱).

ساختار متن رمان طبیعتش را وامدار نوع گفتمان‌اش است. در داستان‌ها، متن سخن می‌گوید و غیرمستقیم مخاطب را به خاستگاه صدای موجود در گفتمان روایت، هدایت می‌کند و این خاستگاه همان قراردادهای همگانی زبان است. می‌توان گفت یکی از اهداف نویسنده، ترغیب خواننده به فکر کردن درباره چگونگی پذیرش تحولات نظام ارزش‌های اجتماعی است. راوی دیدگاه‌های خود را نسبت به تحولات اجتماعی، وابستگی‌های فکری، رکود و غرب زدگی ابراز می‌کند و غالباً با دیدگاه انتقادی و طعنه‌آمیز درباره شخصیت‌ها نظر می‌دهد و این نظریات را قابل تعمیم به مصداق‌های احتمالی کنشگران اجتماعی قلمداد می‌کند؛ مثلاً در عبارت زیر تغییر دیدگاه کارگزاران اجتماعی و تحولات جامعه را با زمین پیوند زده و تضادهای آموزش رسمی با واقعیات جامعه را چنین بازگو کرده است:

«گفتم: حاج میرزا آقاسی آخرین آدمی بود که به این زمین وابسته بود. چون رفت سراغ قنات کندن. چون در آن دوره اینجا هنوز مرکز عالم خلقت بود. اما من با درسی که می‌دهم باید بچه‌ها را از زمین ببرم. بکنم. درس‌های ما، در بی‌اعتباری این زمین است...» (همان: ۶۱).

زیرمعناهای سلطه‌جویانه فرم داستان قوی است و نویسنده با شگردهای پنهان‌سازی و زبانی کنایی آن را محدود می‌کند و با اشاره به اصلاح شبکه آبیاری، در دوره صدارت حاج میرزا آقاسی و اشارات تلویحی به ساختار آموزش در ایران انگار گوشه‌چشمی به امیرکبیر، جانشین میرزا آقاسی و اقدامات او برای تغییر نظام آموزشی دارد که مورد پسند راوی نیست! رمان‌نویسان معمولاً برای پرهیز از کلی‌گویی، سخنان خود را با گشتارهای مختلف پنهان می‌کنند تا روساخت جمله خسته‌کننده نباشد. البته در این متن آل‌احمد با وجود تمام

پنهان‌سازی‌ها، گاهی چون بلندگویی عقاید خود را از زبان شخصیت‌ها بازگو می‌کند و راوی مداخله‌جو و جسوری است که می‌خواهد مخاطب از دریچه نگاه او وقایعات را بسند.

اسمی سازی در این اثر پرسیامد است و استفاده از اسم به جای فعل و کاربرد صفت در نقش اسم موجب بی کنشی و تضعیف اراده شخصیت ها شده است. در متن بجز جملاتی که افعال آن ها حذف شده بیش از ۲۰۰۰ جمله اسنادی با فعل های «است و بود و شد و کرد» به کار رفته است؛ بنابراین، کنشگری در این متن ضعیف است. اسم سازی احساس ها را مانند دارایی های می نمایاند که می توان آن ها را حفظ یا رها کرد یا به کس دیگری بخشید. این نکته حاکم از مسئولیت ناپذیری شخصیت ها در قبال خصلت های بیان شده است.

مطالعه ساخت‌های گفتمان‌مدار در این رمان نشان می‌دهد که متن دارای سطح معناداری از پوشیدگی است و حدود ۸۱ درصد جملات گفتمان‌مدار حاوی یکی از مؤلفه‌های حذف‌اند. گاهی چندین شکل پوشیدگی در یک عبارت به کار رفته است و پنهان‌سازی در خدمت ساختارهای نهفتهٔ مناسبات قدرت و ایدئولوژی در جامعه است. در اغلب موارد کنشگرانی که عامل ترس، تردید، خفقان و مانع بروز خود واقعی اشخاص هستند، پنهان شده‌اند تا همچنان شکوه خود را حفظ کنند و با این عمل قدرت و سلطهٔ آن‌ها برجسته‌سازی می‌شود و در مقابل شاهد حذف کنشگرانی از طبقات ضعیف جامعه (اهل روستا، بی‌سوادها، فقرا و زنان) هستیم که با نوعی حقارت همراه است. از دیگر نکات مهم در حذف کنشگران این است که راوی مانند یک نظریه‌پرداز از کنش‌ها و کنش‌پذیرها انتقاد می‌کند، اما کنشگرها را حذف می‌کند تا مورد مؤاخذه و بازخواست قرار نگیرد و این از سر محافظه‌کاری است.

جدول ۱. بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار حذف در کتاب نقرین زمین و میزان پوشیدگی متن

نمودهای حذف							عبارات گفتمان مدار
میزان پوشیدگی	کمرنگ‌سازی			پنهان‌سازی			
	اسمی‌شدگی (حاصل مصدر)	جملات مجهول (با ذکر عامل)	حذف اجزای جمله	صفت	اسمی‌شدگی (مصدر و اسم مصدر)	مجهول‌سازی	
۲۹۲۸							
عبارت							
۸۱/۳۳	۲۷۹	۱	۹۵۸	۵۰۰	۴۶۰	۷۳۰	۳۶۰۰
درصد							

در این متن از تمامی جلوه‌های حذف (شکل‌های پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی) استفاده شده است. تضادهای اجتماعی چون روستایی و شهری، باسواد و بی‌سواد، سنت و تجدد و سرگردانی کنشگران میان این تقابل‌ها، گفتمان اصلی متن را تشکیل می‌دهد. نویسنده برهم‌خوردن توازن قدرت را عامل نابسامانی معرفی می‌کند؛ مثلاً در مسأله ورود تراکتور، امیرآبادی‌ها خود را در برابر سرعت تراکتور منفعل می‌بینند و به راننده و تراکتور حمله می‌کنند یا با آمدن آسیاب و موتور برق به روستا، کنشگران با مباشر درگیر می‌شوند. راوی تلاش می‌کند که با عقاید جاری در جامعه روستایی مقابله کند. به همین دلیل راه انتقاد را در پیش می‌گیرد، اما خودش نیز اسیر همان رفتارهاست و به عنوان نماینده فرهنگی در جامعه هیچ تفاوتی با دیگر شخصیت‌های داستان ندارد. او نیز مثل دیگر شخصیت‌ها سرگردان است، نه دین‌دار است نه بی‌دین؛ از حق زنان می‌گوید و نگاهش به زنان ابزارمدارانه است، نه با مباشر موافق است نه با مدیر و به عنوان کنشگر اصلی داستان نماینده قدرت محافظه‌کار است. در حساس‌ترین زمانی که ممکن بود مفید باشد، حضور ندارد و چنین توجیه می‌کند: «واقعاً برای رخ دادن حتی به صورت پیاده‌ای بر نطع شطرنجی به تو محتاج نبوده است» (همان: ۲۸۴).

بحث و نتیجه‌گیری

ادب روایی یکی از جدی‌ترین انواع ادبی از جهت درآمیختگی زبان با مسائل اجتماعی و فرهنگی است، پس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی لیوون در حوزه نگفا می‌تواند در متون داستانی به مثابه ابزاری کارآمد برای کشف و شناخت ابعاد فکری و ایدئولوژی حاکم بر جامعه ما را یاری کند. حذف، یکی از ساخت‌های گفتمان‌مدار پیام‌گزار است که هدف اصلی متن را در خود دارد. مهمترین خصیصه گفتمانی این اثر کاربرد شکل‌های مختلف پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی است.

مؤلفه‌های کم‌رنگ‌سازی و پنهان‌سازی با چند هدف عمده در نفرین زمین نمود یافته

است:

- حذف کنشگر، تأکید بر کنش‌های مداخله‌جویانه با هدف برجسته‌سازی قدرت و سلطه است. در حقیقت این کنشگران، قدرت‌های خارج از متن‌اند و اغلب سیاسیون، دولتی‌ها و نظامی‌ها هستند.

- حذف کنشگر در خدمت بی‌اهمیت جلوه دادن قشرهای ضعیف اجتماع است.
- حذف کنشگر و پنهان‌سازی منبع خبری و عامل خبر‌گزار برای این است که کسی نتواند گوینده خبر را بازخواست کند.

- حذف کنشگران با این هدف که توجه از عامل به عمل معطوف شود. نویسنده در این نوع جملات با بافت‌زدایی زمانی، مکانی، تاریخی و پوشیده کردن کنشگران و کنش‌پذیران پیام خود را از زبان آنان بازگو می‌کند.

۵- حذف کنشگران برای بیان تقابل‌ها در اجتماع (دهاتی و شهری - سنت و مدرنیته - باسواد و بی‌سواد و...) از مهم‌ترین ساخت‌های گفتمان‌مدار متن است که گاهی تبدیل به گفتمان تحقیر و خصومت شده و آل‌احمد به عنوان یک نویسنده صاحب فکر می‌خواسته این تقابل را مورد انتقاد قرار دهد، اما ساخت‌های معنایی نشان می‌دهد نویسنده گفتمان تحقیر و خصومت را بازتولید کرده است.

- شکل‌های مختلف حذف موجب بی‌کنشی، سرکوب و تضعیف کنشگری در این اثر شده است و گفتمان وابستگی، ضعف و ناتوانی را به مخاطب القا می‌کند.

با توجه به این موارد می‌توان گفت پنهان‌سازی کنشگران داستان در خدمت ساختارهای نهفته مناسبات قدرت و ایدئولوژی در جامعه است.

در نفرین زمین علاوه بر قدرت‌های پنهان (نمایندگان حکومت)، راوی (معلم)، درویش، بی‌بی، مدیر، مباشر نمایندگان قدرت‌اند. هرچند راوی و درویش تمام تلاششان این است که خود را منتقد عوامل قدرت و ایدئولوژی نشان دهند، گفتمان اثر آن‌ها را به عنوان نمایندگان قدرت معرفی می‌کند که با پنهان‌سازی سعی دارند نقش خود را در برابر پذیرش ایدئولوژی و سلطه کم‌رنگ جلوه دهند. راوی غالباً با نگرشی انتقادی دیدگاه‌های خود را نسبت به تحولات اجتماعی، وابستگی‌های فکری، بی‌نظمی، رکود و... ابراز می‌کند و انگار این نظریات قابل تعمیم به مصداق‌های احتمالی کنشگران اجتماعی است. او کنشگری است که خود همیشه از موضع قدرت سخن می‌گوید و خود را از تمام کنشگران داستان جدا می‌داند و با این شیوه سعی می‌کند در مخاطب تغییر نگرش ایجاد کند، اما تحلیل اثر نشان می‌دهد

نویسنده موفق نبوده است؛ چون همه شخصیت‌ها سخنگوی اندیشه‌های نویسنده‌اند و کنش و کنشگری آن‌ها حذف شده است و شاید همین تک صدایی نویسنده ناشی از قدرت‌طلبی ایدئولوژی او باشد.

بر مبنای الگوی لیوون و محاسبه آن‌ها براساس فرمول رازگونگی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، مشخص می‌شود که این متن دارای سطح معناداری از پوشیدگی است، حدود ۸۱ درصد جملات گفتمان‌مدار این رمان دارای یکی از شکل‌های حذف است؛ حتی گاهی چندین شکل پوشیدگی در یک عبارت به کار رفته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ebrahim Ranjbar  <https://orcid.org/0000-0001-9236-7026>

Ahmad Parsa  <https://orcid.org/0000-0002-4711-4713>

Nahid Ashrafi  <https://orcid.org/0000-0003-3157-0770>

منابع

- آل‌احمد، جلال. (۱۳۸۳). *نفرین زمین*. تهران: خرم.
- _____ . (۱۳۸۵). *غرب‌زدگی*. تهران: خرم.
- احمدی، اصغر، آفاگل‌زاده، فردوس، خلیلی، محمدعلی، قبادی، حسینعلی و جوادی‌یگانه، محمدرضا. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان سیاسی رمان «تنگسیر» صادق چوبک. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۰(۳۶)، ۹۵-۱۳۰.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۴۸). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۶۴). مجهول در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، (۳)، ۳۱-۶۴.
- رضایی، والی. (۱۳۸۹). نگاهی تازه به ساخت مجهول در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۲(۲)، ۱۹-۳۴.
- _____ . (۱۳۹۵). مصدر، اسم‌مصدر و حاصل‌مصدر از دیدگاه سرنمون رده‌شناختی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۸(۱۴)، ۱-۱۶.
- رنجبر، ابراهیم. (۱۳۹۱). رسالت روشنفکر و نزاع سنت و تجدد در رمان *نفرین زمین*. *زبان و ادب فارسی (دانشگاه تبریز)*، ۶۵(۲۲۶)، ۱-۲۳.

- _____ (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل رمان «نفرین زمین» براساس الگوهای تبیین در علوم اجتماعی لیتل. جستارهای ادبی، ۴۶(۱)، ۸۵-۱۰۴.
- شفائی، احمد. (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین.
- صادقی، سودابه و زارع، میثم. (۱۳۹۶). بررسی ورود مدرنیته در رمان نفرین زمین و خوشه‌های خشم. مطالعات ادبیات تطبیقی، ۱۱(۴۱)، ۹۹-۱۲۰.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۸۵). ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز. تهران: مرکز. غیاثیان، مریم. (۱۳۸۶). بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا و انگلیس قبل و بعد یازده سپتامبر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- فاولر، راجر. (۱۳۹۶). زبان‌شناسی و رمان. ترجمه محمد غفاری. تهران: نی.
- فر کلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجمان فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قجری، حسینعلی و نظری، جواد. (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۹۶). صد سال داستان نویسی. جلد دوم. تهران: چشمه.
- میرعمادی، علی. (۱۳۷۷). حذف به قرینه در زبان فارسی: قاعده‌ها و محدودیت‌ها. متن پژوهی ادبی، ۱(۳)، ۳۷-۸۵.
- یاحقی، رمضان و عزیزی، مجید. (۱۳۹۰). تأثیر وقایع تاریخی در سه اثر داستانی جلال آل‌احمد. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۲۱(۲)، ۱۶۳-۱۷۹.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۹۳). درآمدی به گفتمان‌شناسی. تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل مقابله‌ای گفتمان شناختی. تهران: هرمس.

References

- Al-Ahmad, J. (2005). *Nefrin-e zamin*. Tehran: Khorram. [In Persian]
- _____ (2007). *Gharbzadegi*. Tehran: Khorram. [In Persian]
- Ahmadi, A., Aghagol-zadeh, F., Khalili, M. A., Ghobadi, H. A., Javadi-Yeganeh, M. R. (2014). Analysis of the Political Discourse of Chubak's novel "Tangsir". *Cultural Studies and Communication*, 10(36), 95-130. [In Persian]
- Bateni, M. R. (1970). *Description of Persian Grammatical Structure*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Dabir-Moghaddam, M. (1986). The Unknown in Persian. *Journal of Linguistics*, (3), 31-64. [In Persian]

- Fowler, R. (2018). *Linguistics and the Novel*. Translated by Mohammad Ghaffari. Tehran: Ney.
- Fairclough, N. (2001). *Critical Analysis of Discourse*. Translated by Fatemeh Shayesteh-Piran and Others. Tehran: Center for Media Studies and Research.
- Ghiasian, M. (2008). *Representation of Islam in American and British Publications before and after 9/11 in the Framework of Analytical Discourse*. PhD thesis, Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Halliday, M. A. K., & R. Hassan. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Mir-Abedini, H. (2018). *One Hundred Years of Fiction*, Volume 2. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Mir-Emadi, A. (1999). Elimination of Symmetry in Persian Language: Rules and Limitations. *Literary Text Research*, 1(3), 37-85. [In Persian]
- Qajri, H. A., & Nazari, J. (2011). *Discourse Analysis in Social Research*. Tehran: Sociologists. [In Persian]
- Rezaei, V. (2011). A New Look at the Unknown Construction in Persian. *Linguistic Research*, 2(2), 19-34. [In Persian]
- _____. (2017). Nfinitive, Infinitive noun and Infinitive Product from the Perspective of the Classification head. *Linguistic Research*, 8(14), 1-16. [In Persian]
- Ranjbar, I. (2013). The Mission of the Intellectual and the Conflict between Tradition and Modernity in the novel Nefrin-e zamin. *Persian Language and Literature (University of Tabriz)*, 65(226), 1-23. [In Persian]
- _____. (2014). Study and Analysis of the Novel Nefrin-e zamin Based on Explanation Patterns in Little Social Sciences. *Literary Essays*, 46(1), 85-104. [In Persian]
- Shafaei, A. (1985). *Scientific Foundations of Persian Grammar*. Tehran: Novin. [In Persian]
- Sadeghi, S., & Zare, M. (2018). A Study of the Entry of Modernity in the Novel of the Earth Curse and Clusters of Anger. *Comparative Literature Studies*, 11(41), 99-120. [In Persian]
- Tabibzadeh, O. (2007). *The Capacity of basic verb Verbs and Constructions in Modern Persian*. Tehran: Center. [In Persian]
- Van Leeuwen, T. (1995). *The Representation of Social Actors*. -In coldas couthard, C.R. and Couthard, M. (Eds), Texts and Practices. London: Routledge.
- _____. (2008). *Discourse & Practice: New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press, p 4.

- _____. (2009). Critical Discourse Analysis, In Schiffrine, D. Tanen. & Hamilton. H.E (Eds). *Handbook of Discourse*. (pp. 352-372). London: Routledge.
- Yahaqi, R., & Azizi, M. (2012). The Impact of Historical Events on the Three Fictional Works of Al-Ahmad. *Research on Persian Language and Literature*, (21), 163-179. [In Persian]
- Yarmohammadi, L. (2005). *Popular and Critical Discourse*. Tehran: Hermes. [In Persian]
- _____. (2014). *An Introduction to Discourse Studies*. Tehran: Hermes. [In Persian]
- _____. (2016). *Cognitive Discourse Analysis*. Tehran: Hermes. [In Persian]

استناد به این مقاله: اشرفی، ناهید، رنجبر، ابراهیم و پارسا، سید احمد. (۱۴۰۲). حذف و مؤلفه‌های آن در کتاب «نفرین زمین» آل‌احمد براساس نظریه «ون لیوون». *متن پژوهی ادبی*، ۲۷ (۹۶)، ۲۵۵-۲۸۰.
doi: 10.22054/LTR.2021.45374.2776



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.